

تحلیل مسئولیت مدنی اشخاص ذیمدخل در طرح‌های جنگلداری در حقوق داخلی و اسناد بین الملل

زینب کریمی‌منش^۱*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱

چکیده

مسئولیت مدنی در راستای طرح‌های جنگلداری یکی از موضوعات بسیار مهمی است که همواره در اسناد بین‌الملل و حقوق داخلی مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین تفاوتی که در راستای مسئولیت مدنی اشخاص ذیمدخل در طرح‌های جنگلداری در حقوق داخلی و مقایسه آن با حقوق بین‌الملل دیده می‌شود، تفاوت در مبانی و شرایط این نوع مسئولیت است. به طوری که مبانی این نوع مسئولیت در حقوق ایران متخذ از فقه و حقوق است که اساس این موضوع در اسناد بین‌الملل را می‌توان رویه حاکم عنوان داشت. در مباحث این نوع مسئولیت در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل می‌توان مقررات مختلفی مورد بررسی قرار داد که از جمله قانونگذار ایران در سال ۱۳۴۱ با تصویب قانون ملی شدن جنگل‌ها مسئولیت حفظ و حراست از آن‌ها را بر عهده دولت و در سال ۱۳۴۶ با تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع دولت را مکلف به تهیه طرح‌های جنگلداری نموده تا نسبت به حفاظت و حراست از آن اهتمام ورزد و اشخاصی که بر خلاف آن اقدام نمایند مسئول شناخته شوند. در عرصه حقوق بین‌الملل نیز می‌توان به بیانیه‌های استکهلم ۱۹۷۲، ریو ۱۹۹۲ و ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ اشاره نمود. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذیمدخل در طرح‌های جنگلداری در حقوق داخلی و اسناد بین‌الملل به روش تحلیلی-توصیفی و تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس مقایسه و تحلیل‌های انجام شده، نتایج گویای آن است که مبانی مسئولیت مدنی اشخاص مذکور در حقوق ایران و بین‌الملل متفاوت بوده و در هدف و آثار که حفاظت از جنگل‌ها و جبران خسارت می‌باشد، مشترک هستند.

کلید واژه‌ها: مسئولیت مدنی، ذیمدخل، طرح جنگلداری، اسناد بین‌الملل.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (z.karimimanesh@gmail.com)

مقدمه

موضوع حفاظت از جنگل‌ها و مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری در سطح داخلی به طور ضمنی و صریح مورد توجه قانونگذار بوده بگونه‌ای که این موضوع در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جنگل‌ها، مراتع و اراضی موات متعلق به دولت است و نحوه استفاده از آن در قوانین عادی مانند ملی شدن جنگل‌ها، حفظ منابع ملی و زمین شهری مشخص می‌شود. در تعریف طرح جنگلداری آمده است، طرح جنگلداری شناخت پدیده‌های منابع جنگلی رشد یافته در عرصه‌های متفاوت است و ما را با انواع علوم که در شناخت عوامل پیدایش پدیده‌های (بستر حیات) سهیم‌اند، آشنا می‌سازد (خانلری، ۱۳۹۰). طرح جنگلداری طرحی است که در آن مقدار و محل و موقع برداشت و مدت اجراء و نحوه بهره‌برداری و عملیات‌احیائی و عمرانی که در داخل جنگل یا جنگل‌های مربوط باید محقق گردد عنوان شده است و سازمان جنگلبانی ایران آن را به تصویب رسانیده باشد^۱.

در عرصه حقوق بین الملل نیز حفاظت از محیط-زیست به‌ویژه جنگل‌ها یکی از نگرانی بزرگ جامعه بین‌المللی است. به طوری که ماده ۲ اعلامیه استکهلم بیان می‌دارد: منابع طبیعی زمین شامل هوا، آب، خاک، گیاهان و جانوران و مخصوصاً نمونه‌های شاخص از اکوسیستم‌های طبیعی باید برای حفظ نسل‌های کنونی و آینده با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت مناسب، حفاظت شوند. بدین منظور حفاظت از منابع طبیعی

تجدیدناپذیر و رعایت حقوق نسل‌های فعلی و آینده موضوع توسعه پایدار مورد توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته که مهم‌ترین هدف آن حفظ و حراست از منابع ملی و در مواردی تصویب و اجرای طرح‌هایی در این زمینه مورد توجه می‌باشد. لذا شناخت مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری را می‌توان در نظریات مختلف در سطح داخلی و بین‌الملل مورد بررسی قرار داد و به پاسخ این سوال که مبانی مسئولیت چنین اشخاصی در حیطة حقوق داخلی و اسناد بین‌الملل چگونه است، دست یافت. این امر با بررسی نظرات مختلفی که در خصوص آن‌ها مطرح است اجرایی شده و نتایج کلیدی مبتنی بر تحلیل منطقی در این زمینه ارائه خواهد شد.

مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری در فقه

نظر به این که ضرر رساندن به اموال دولت ناشی از تخریب جنگل‌ها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، امری مذموم شمرده شده است و بر اساس مبانی موجود در فقه، ضرر به دیگران در قالب قواعدی همچون لاضرر و اتلاف بیان شده که در ذیل به بررسی این قواعد پرداخته شده است.

بند اول: قاعده اتلاف

قاعده اتلاف، قاعده‌ای اساسی در مسئولیت مدنی است که در بحث خسارات وارده به طرح‌های جنگلداری قابل ملاحظه است. فقها اتلاف را در مورد اتلاف ابدان و اموال، هر دو به کار برده‌اند از طرفی اتلاف را در دو بخش (بالمباشرة) یعنی تلف کردن مستقیم و بی‌واسطه و (بالتسبیب) یعنی تلف کردن با واسطه و سبب مطرح نموده‌اند (الحسینی مراغی، ۱۳۷۶) که هر دو موضوع در بخش خساراتی که به طرح‌های جنگلداری وارد

۱- بند ۱۲ ماده ۱ ق.حفاظت و بهره برداری مصوب ۱۳۴۶

تلف دانسته‌اند اما به نظر بسیاری از فقهاء اتلاف مال شامل اتلاف حکمی نمی‌شود. به نظر برخی قاعده اتلاف در موارد تلف حکمی جاری نیست زیرا حقیقتاً عنوان اتلاف صدق نمی‌کند. البته ضمان برای آن فرد ثابت است منتهی به دلیل دیگری از قبیل آیه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۳).

اتلاف به دو صورت است، اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب، هرگاه کسی به طور مستقیم به عمد یا غیر عمد با تقصیر یا بدون تقصیر مال دیگری را تلف کند به طوری که بتوان حقیقتاً تلف مال را به او نسبت داد این عمل اتلاف بالمباشره نامیده می‌شود، مانند این که شخصی مال منقول و یا غیرمنقول دیگری را مباشرتاً آتش بزند و بسوزاند. ملاک در اتلاف چنان که اشاره شد آن است که تلف حقیقتاً به شخص متلف مستند باشد نه این که تلف بدون واسطه از او صادر گردد چه این که اتلاف از مسببات تولیدیه است که مستقیماً و بدون واسطه انجام می‌پذیرد منتهی گاهی واسطه به قدری پنهان و خفی است که به نظر می‌رسد عمل بدون واسطه و به طور مستقیم انجام گرفته است مانند افروختن آتش در ملک مجاور طرح- های جنگلداری که نمونه این قضیه به فور در خصوص اراضی ملی که دارای ملک مجاور با کاربری کشاورزی هستند، مشاهده می‌گردد. لذا ممکن است هنگام آتش افروختن در ملک مجاور آتش به طرح‌های جنگلداری سرایت کند و باعث ایراد خسارت گردد اینجا واسطه آنقدر پنهان است که به نظر عمل بدون واسطه بوده است یا باز گذاشتن درب نگهبانی طرح جنگلداری که در همان هنگام فردی با قصد سرقت اموال راجع به طرح وارد طرح شود. در کل اتلاف بالتسبیب

می‌آید کاربرد دارد چه این که شخصی به تنهایی اقدامات ایراد به طرح جنگلداری را فراهم آورد و یا با کمک شخص دیگر و یا استفاده از وسیله‌ای دیگر. لذا در متون فقهی منظور از اتلاف این است که زمانی که شخصی مال دیگری یا منافع آن را بدون اذن صاحبش از بین ببرد در برابر صاحب آن ضامن و مسئول خواهد بود. تفاوت قاعده اتلاف و ضمان این است که در اتلاف، محور مسئولیت از بین بردن مال دیگری می‌باشد و این امر ملازمه با تصرف در مال نخواهد داشت. اما در ضمان ید، مسئولیت متوقف بر اتلاف و از بین بردن مال نیست، بلکه صرف وضع ید و تصرف و استیلا بر مال غیر موجب ضمان خواهد بود (محقق داماد، ۱۴۰۱).

گاهی اتلاف حکمی است یعنی خود مال یا کالا تلف نشده است ولی ارزش و مال بودن آن از بین رفته است، به فرض در خصوص نهالکاری گونه- های پهن‌برگ باید ریشه لخت نهال‌ها را با رعایت اصول فنی از بستر درآورده و بلافاصله پس از آغشته کردن ریشه‌ها به محلول کود گاوی و خاک رُس و قارچ‌کش با بسته‌بندی مناسب به محل کاشت حمل کنند تا در همان روز در عرصه کشت شوند. حال چنانچه این اقدامات صورت گیرد ولی نهال‌ها در همان روز در عرصه کشت نشوند و این امر موکول به یک هفته بعد از اقدامات انجام شده جهت آماده‌سازی کشت نهال صورت گیرد این نهال‌ها در واقع همان نهال‌ها هستند اما دیگر کارایی لازم جهت بهره‌وری را نخواهند داشت. لذا در این مورد عین مال ثابت مانده اما ارزش آن از بین رفته است، در این که قاعده اتلاف تنها تلف حقیقی را در بر می‌گیرد یا تلف حکمی را هم شامل می‌شود تا حدودی بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. برخی قاعده اتلاف را شامل هر دو نوع

عبارت است از این که کسی به طور غیرمستقیم و مع‌الواسطه موجب تلف مال دیگری گردد اعم از آن که این موجب شدن عمدی باشد یا غیرعمدی و اعم از آن که در اثر انجام فعلی باشد مانند این که کسی دیگری را وادار به دزدی کند و یا در اثر ترک وظیفه‌ای مانند این که مأمور انبار طرح جنگلداری درب انبار را که بایستی ببندد، باز گذارد در نتیجه دزدی کالایی را از انبار سرقت کند. حال آن که در اتلاف بالمباشره ترک فعل سبب ایراد خسارت نیست و در اتلاف بالمباشره حتماً باید فعل مثبتی صورت گیرد تا خسارت وارد آید.

در خصوص اتلاف بالمباشره مرتکب عمل مسئول است چه تقصیر کرده باشد چه نکرده باشد، می‌توان گفت دلیل بر این مطلب این است که عرف چنین آدمی را مصداق دلایل اتلاف می‌شناسند ولی اگر کسی با رعایت احتیاطات لازم سبب ورود ضرر و خسارتی به دیگری شود ضامن نخواهد بود و در خصوص ضمان ناشی از تسبیب گفته شده، این ضمان برخلاف ضمان مباشری، تقریباً در تمامی موارد مبتنی بر تقصیر مسبب (یا عدوان وی، به مفهوم عام آن) است زیرا اتلاف هنگامی قابل استناد به مسبب است که وی به نحوی مرتکب تقصیر شده باشد (الموسوی الخوئی، ۱۳۸۰). در مقابل بیان شده است که برای حصول ضمان در اثر تسبیب، وجود قصد اتلاف نفس یا مال شرط نیست (علامه حلی و محقق کرکی، ۱۳۷۳). در نهایت راجع به عناصر موجود در طرح‌های جنگلداری می‌توان گفت کلیه عناصر زیست محیطی اعم از آب، خاک، هوا و آنچه که منابع زیست محیطی را تشکیل می‌دهد، مال محسوب می‌شود؛ چرا که انسان برای ادامه حیات نیاز به داشتن محیط زیست سالم می‌باشد

و تصرف در این اموال بدون اجازه اما جایز نیست (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱) همچنین ماده ۳۲۸ قانون مدنی در باب اتلاف بیان می‌دارد «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است». لذا در باب خسارات وارده به طرح‌های جنگلداری می‌توان به این ماده و قاعده اتلاف توجه داشت و از این باب جبران خسارات وارده را از عامل زیان درخواست نمود.

بند دوم: قاعده لاضرر

قاعده فقهی لاضرر مورد توافق همه مذاهب فقهی اسلام بوده و می‌توان جریان آن را در ابواب مختلف فقه از جمله عبادات و معاملات مشاهده نمود. این قاعده از قواعد مهم اسلام است که با توجه به اهداف شارع مقدس که حفاظت از جان و مال و عرض انسان و دفع هرگونه ضرر از اوست در شریعت اسلام پایه‌ریزی شده است. در بحث پذیرش این قاعده به عنوان مبنای مسئولیت مدنی آمده است «صرف نظر از مفهوم قاعده، حکم به تحقق مسئولیت مدنی به استناد قاعده لاضرر صحیح است؛ زیرا عقل در چنین مواردی حکم به لزوم جبران ضرر بر عهده فاعل فعل زیانبار می‌نماید». به علاوه تبادل نیز وجود دارد؛ متبادر از چنین نصی صرف نظر از نفی یا نهی بودن آن، لزوم رفع ضرر است و آنگهی خبر «من اضر بطریق المسلمین شیئاً فهو ضامن» صراحت در ضمان فاعل فعل زیانبار دارد و این ایراد که شمول این خبر منصرف به اتلاف و تسبیب است به نظر می‌رسد با وجود اطلاق خبر منتفی باشد. به علاوه ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب به نظر عده‌ای مبتنی بر قاعده «الضرر یزال» می‌باشد که اصل آن قاعده «لاضرر و لا ضرار» است. بنابراین حکم به ضمان و مسئولیت مدنی به استناد قاعده لاضرر بعید نیست. همچنان که پیامبر در حدیث

ضرر، نسبت میان آن و عامل ضرر لحاظ نمی‌گردد (علیشاهی قلعه جوقی و دانشهاد، ۱۴۰۰).

در خصوص جایگاه این قاعده در طرح های جنگلداری و منابع طبیعی می‌توان گفت قاعده لاضرر اثبات حکم می‌کند. بدین عبارت که اگر از وجود حکمی ضرری برای کسی وارد آید به استناد قاعده مذکور آن حکم نفی می‌شود. به طور مثال حکم اباحه در بهره‌برداری از منابع طبیعی که از گذشته وجود داشته است امروزه به عنوان مصداقی از حکم ضرری و غیرمباح شمرده می‌شود و به استناد قاعده لاضرر از ادامه این بهره‌برداری به دلیل تخریب محیط‌زیستی جلوگیری و حکم ضرری اباحه نفی شده است. بدین معنی که حتی مالک در ملک شخصی خود به بهانه داشتن حق تسلیط، مجوز حفر چاه و ایجاد آلودگی محیط زیستی و قطع درختان و یا شکار غیرمجاز را ندارد. حکمی که به موجب قاعده لاضرر نفی شده است مجعولات شارع نیست بلکه تمامی چیزهایی خواهد بود که در شریعت اسلام به آن عمل می‌شود خواه وجودی باشند و خواه عدمی. لذا با پذیرش امور عدمی در قاعده لاضرر این قاعده نقش بازدارنده‌ای در تخریب محیط‌زیست خواهد داشت و قانونگذار را مکلف به تدوین قوانین حمایتی از محیط‌زیست می‌نماید. چرا که فقدان این قوانین موجب ایراد ضربه به منابع طبیعی خواهد بود. علاوه بر آن نقش سازنده این قاعده فقهی دولت را موظف به استفاده از روش‌های علمی و اقدامات پیشگیرانه در جهت مدیریت منابع طبیعی و احیای جنگل‌ها و جلوگیری از فرسایش خاک و بیابان‌زدایی و غیره می‌نماید (حسن‌زاده وهمکاران، ۱۳۹۸).

سمره حکم به رفع منبع ضرر، یعنی قلع درخت داده است که رفع منبع ضرر یکی از طرق جبران خسارت است. حتی در خود قانون مدنی با این که مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ ق.م. در باب اتلاف و تسبیب از تلف مال سخن رانده‌اند، اما مواد ۳۳۴ و ۱۲۱۶ همان قانون به صورت کلی و جامع‌تری اصطلاح «ضرر» را مطرح نموده‌اند. بنابراین قاعده لاضرر می‌تواند منبعی برای مسئولیت مدنی باشد. بدین مفهوم که هیچ ضرر جبران نشده‌ای نباید در اجتماع باشد و هر ضرری باید به صورت کامل جبران شود (یزدانیان، ۱۳۹۵).

با توجه به این که هر ضرری به طور کامل باید جبران شود در طرح‌های جنگلداری با قاعده‌ای تحت عنوان نفی ضرر غیرمتدارک روبه‌رو هستیم. بدین نحو که برابر این دیدگاه اگر مالی از کسی از بین برود و جبرانی در برابر آن نباشد این ضرر است و چون این ضرر در شرع نفی شده است پس باید در برابر تدارک و جبران آن بود. بر اساس چنین برداشتی هیچگونه ضرری نباید پدید آید مگر آن که جبران گردد. با فرض ثبوت چنین معنایی، باید در صدد تعیین ضامن برای جبران ضرر در خارج برآمد و چنانچه ضرر قابل انتساب به شخص معینی باشد شخص مذکور ضامن می‌گردد و دولت در صورتی ضامن است که ضرر قابل انتساب به وی می‌باشد وگرنه در صورت تردید در چنین انتسابی ضمان دولت از طریق اجرای اصالت عدم منتفی می‌گردد. اما چنانچه ضرر قابل انتساب به شخص معینی نباشد، ضمان دولت مطرح می‌گردد زیرا از سویی این قاعده بر لزوم جبران ضرر دلالت دارد و از سویی دیگر شخص مقصری وجود ندارد تا ذمه وی به جبران خسارت مشغول گردد. لذا تنها راه ضمان دولت است که این امر از فقره لاضرر به دست می‌آید چرا که در

مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری در حقوق ایران

اهمیت منابع طبیعی در قوانین و مقررات داخلی به حدی است که اصل ۴۵ قانون اساسی در آن‌ها در زمره انفال یاد نموده است و آن‌ها را در اختیار حکومت اسلامی می‌داند تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها رفتار شود و در ادامه اصل ۵۰ قانون اساسی به طور کل محیط‌زیست را که شامل منابع طبیعی هم می‌شود تحت‌الشمول قرار داده و مسئولیت حفظ و حراست از این منابع را به عهده نسل امروز و نسل آینده قرار داده است و یک وظیفه عمومی می‌داند و در این راستا فعالیت‌های اقتصادی که مرتبط با تخریب این منابع باشد را ممنوع اعلام نموده است. از طرفی برابر قوانین خاص راجع به منابع طبیعی و دولت را ملزم به تصویب و اجرای طرح‌های جنگلداری نموده است که در آن‌ها اشخاص بی‌شماری دخیل هستند. لذا با توجه به اصول مذکور و با توجه به قواعد راجع به مسئولیت مدنی چنانچه ضرری به وسیله اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری متوجه طرح مذکور که متشکل از جنگل‌ها هستند، گردد. این سوال مطرح می‌شود که عامل ورود زیان بر چه مبنایی مورد شناسایی قرار می‌گیرد؟ و آیا هر فعل زیان‌باری هرچند فاعل آن دچار هیچ سوء نیتی نشده باشد موجب مسئولیت است؟ یا در صورتی موجب مسئولیت است که حتماً قصد و سوء نیت عامل زیان محرز باشد؟ همچنین بر چه اساس و دلیل عقلایی، عامل زیان‌بار باید زیان وارده به دیگری را جبران نماید؟ در خصوص مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری می‌توان به نظرات متعددی استناد جست از جمله نظریه

تقصیر، خطر، تضمین حق و یا نظرات دیگری که مرتبط با این اشخاص هستند.

بند اول: نظریه تقصیر در طرح‌های جنگلداری

برابر این نظریه که یکی از نظرات مطرح در باب مسئولیت مدنی می‌باشد زیان‌کار هنگامی باید زیان‌های وارد شده را تلافی کند که تقصیر او محرز گردد و زیان دیده باید تقصیر او را ثابت نماید یعنی دلیل مسئولیت خوانده فقط به علت تقصیری می‌باشد که دچار شده و زیان دیده باید به عنوان مدعی، تقصیر و ارتباط علیت میان تقصیر فاعل ضرر و زیان‌های وارده را به اثبات برساند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵). مثلاً برابر این نظریه، هنگامی که در اثر فعل زیان‌بار یکی از قرقبانات طرح خسارتی به طرح جنگلداری وارد می‌آید زیان دیده اصلی در اینجا که سازمان منابع طبیعی می‌باشد باید تقصیر فاعل زیان را ثابت نماید و همچنین ثابت نماید بین ضرر وارده و عمل خلاف قرقبان که باعث ایراد خسارت به طرح جنگلداری شده است رابطه سببیت وجود داشته است و در صورت اثبات ورود خسارت به قرقبان ذمه او مشغول می‌گردد. این مسئله با توجه به این که سازمان منابع طبیعی جزو اشخاص حقوقی می‌باشد و از طرفی برابر مقررات این سازمان در صورت ورود خسارت به جنگل اصل بر گزارش مأمورین منابع طبیعی است مگر این که خلاف آن ثابت گردد جای تأمل دارد هر چند قرقبانی که در طرح جنگلداری مشغول به کار است از اعضا و بدنه سازمان مربوطه است و دارای تعهد در حیطه وظایف خود می‌باشد لذا در اینجا این سوال مطرح می‌شود که معیار تقصیر قرقبان طرح جنگلداری در صورت قصور چیست؟ در باب معیار تقصیر دو نظر مطرح شده است. یکی معیار شخصی تقصیر و دیگری معیار نوعی تقصیر. در خصوص معیار

شخصی تقصیر باید به حالت عادی و متعارف شخص توجه شود نه به ذات و نفس تجاوز بلکه این وجدان شخص مقصر است که کاری را خلاف عرف و عادت می بیند و ناپسند می شمارد. اما در خصوص معیار نوعی شخص متعارفی را که نه بسیار محتاط است و نه بسیار مهمل و بی احتیاط بلکه متعادل و متعارف است به عنوان الگو در نظر گرفته و اعمال و رفتار شخص خاطی را با اعمال و رفتار چنین شخصی می سنجد که این معیار با قوانین حقوقی و فقه سازگاری بیشتری دارد و بهتر است اعمال و رفتار قرقبان طرح با اعمال و رفتار شخص متعارف در حیطة خودش در نظر گرفته شود. البته باید توجه داشت در حرفه قرقبانان طرح علاوه بر قانون و قراردادهای موجود در طرح که می تواند مبنای مسئولیت و تقصیر برای آنها قرار گیرد ممکن است عمل یا رفتاری به اندازه ای تکرار شده باشد که به صورت عرف در محدوده حرفه آنها تبدیل شده باشد که چنانچه این امر محقق شده باشد و قرقبان از چنین رفتاری سرپیچی کند دچار تقصیر شده است. البته در چنین عرفی محدود به افراد خاص همان حرفه است. همچنین در صورتی که یکی از مدیران منابع طبیعی که تابع سازمان منابع طبیعی می باشند و یا مجریان طرحها و ناظرین طرحهای جنگلداری تقصیری مرتکب شوند معیار تشخیص آن معیار نوعی در نظر گرفته می شود. در باب تقصیر راجع به طرحهای جنگلداری به نظریات متعددی می توان استناد نمود از جمله نظریه فرض تقصیر؛ این نظریه نسبت به نظریه تقصیر تفاوتی ندارد. تنها بار اثبات را متحول کرده به این دلیل از زیان دیده پشتیبانی کرده است (ره‌پیک، ۱۳۸۸). طبق این عقیده در بعضی موارد در حالت وارد شدن ضرر فرض بر آن قرار داده

می شود که فاعل دچار اشتباه شده است. با این وجود اصل بر مسئولیت او می باشد ولی در مقام دفاع او می تواند نبود تقصیر خود را ثابت کند و گمانی که علیه او می باشد از بین می رود. همین طور اگر فاعل ضرر بتواند قوه قاهره و قطع شدن رابطه سببیت را ثابت نماید از مسئولیت آزاد می گردد. جنگلها جزء اموال عمومی و در اختیار سازمان منابع طبیعی جهت حفاظت و حراست از آنها می باشند و در صورت ورود خسارت توسط یکی از اشخاص مؤثر در طرحهای جنگلداری به طرح مزبور با توجه به این که این نظریه در پی حمایت از زیان دیده می باشد، معقول تر به نظر می رسد همچنین مبنای ماده ۱۲ ق.م.م که در باب مسئولیت متبوع (ادارات) از تابع (کارکنان) می باشد را می توان در این نظریه جست و بر این اساس چنانچه به وسیله عاملین طرح خسارتی وارد آید مجریان طرح جنگلداری مسئول اعمال عاملین (کارکنان) خواهند بود از طرفی چنانچه به وسیله مستخدمین و کارمندان ادارات منابع طبیعی هم خسارتی به طرح وارد آید مدیران منابع طبیعی مسئول اعمال آنها خواهند بود. نظریه دیگری که در باب تقصیر ارائه شده نظریه تقصیر ثابت شده یا تقصیر در محافظت می باشد. در تعریف محافظ یا نگهبان آمده است: به فردی که استفاده اداره و کنترل شیء را بر عهده می گیرد نگهبان اطلاق می گردد لذا ممکن است مالک یا قائم مقام وی باشد (کاربینر^۲، ۱۹۹۴). این نظریه در خصوص مراقبت و محافظت از وسیله یا شخص خاصی مطرح می گردد. بدین صورت می باشد که در این نظریه، تقصیر مراقب و محافظ نه تنها مفروض نمی باشد، بلکه خطایی

نمی‌توان رفتار انسان متعارف را به عنوان معیار تمیز خطا از صواب در نظر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۹۸).

بند دوم: نظریه خطر در طرح‌های جنگلداری

در این نظریه اصل بر مسئولیت عامل زیان است و وی وظیفه دارد ضرر و زیان را تلافی کند مگر این که خلافتش را ثابت کند. برابر این نظر زیان‌دیده تنها وارد شدن ضرر و زیان و ارتباط عامل زیان را باید ثابت کند. زیرا طبق این عقیده هر فردی که به کاری می‌پردازد و محیط خطرناکی را برای بقیه ایجاد می‌کند و فردی که از این محیط منتفع می‌شود باید ضررهای نشأت گرفته از آن را تلافی کند. به این ترتیب مبنای مسئولیت تقصیر نمی‌باشد بلکه عوضی می‌باشد که از شکل‌گیری محیط خطرناک عاید او شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۵). در طرح‌های جنگلداری زمانی که مجری اقدام به چوبکشی می‌نماید و در اثر چوبکشی به نهال‌های جوانی که سر راه او قرار دارند خسارت وارد می‌شود و یا خارج از محدوده‌ای که برای چوبکشی در نظر گرفته شده است اقدام می‌نماید و از این عمل وی خسارت به خاک و دیگر گیاهان وارد می‌شود در اینجا صرف ورود خسارت اداره منابع طبیعی می‌تواند تقاضای جبران خسارت داشته باشد و نیاز به اثبات تقصیر مجری متخلف نیست. این نظریه در جاهایی ریشه دارد که وجه اشتراک آن‌ها این است که برای شکل‌گیری وظایف لزومی ندارد عناصر درونی و روانی مسئول مورد توجه قرار گرفته شود بلکه باید به خود فعل زیان‌بار توجه گردد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶).

برابر این نظریه باید گفت هر فردی که به علت فعالیت خود مشکلی ایجاد می‌کند و باعث ضرر دیگری (شامل خود طرح یا بقیه افراد) شود عهده‌دار است و همان طور که از منافع فعالیت

ثابت شده از نوع خاص است که محض تحقق ضرر از ناحیه شخص یا وسیله تحت مراقبت به دیگری، ایجاد می‌گردد. در حقیقت شخص مراقب و محافظ موظف است به کیفیتی از شخص یا وسیله مورد محافظت نگهداری کند که باعث ورود ضرر به افراد یا اشیاء دیگر نشود در غیر این صورت خطای در وظیفه خاص محقق می‌گردد. پس مراقب باید طوری عمل کند که آنچه تحت حفاظت اوست از حیطة کنترل ارادی وی خارج نشود و بالنتیجه خسارتی به بار نیاید و در صورت ورود خسارات شخص محافظ مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد. لذا در خصوص طرح‌های جنگلداری که نیازمند حراست و حفاظت شبانه-روزی می‌باشد و ممکن است در محدوده طرحی که بتازگی نهال‌های جنگلی غرس شده‌اند جهت جلوگیری از کوبیدگی خاکسار و یا از بین رفتن نهال‌های نوپا، ورود و خروج احشام و انسان ممنوع شده باشد و از این بابت اقدام به فنس‌کشی و یا ایجاد دیوارهای محافظتی نموده باشند و شخص یا اشخاصی را به عنوان نگهبان طرح در نظر گرفته باشند. حال مسئولیت چنین شخصی مراقبت حراست از محوطه طرح و لوازم و وسایلی است که در طرح موجود است و نوعی تعهد به نتیجه است که در صورت ورود خسارت تقصیر او ثابت شده است. نظریه‌ای دیگر تقصیر شغلی و مسئولیت حرفه‌ای است لذا غرض از تقصیر شغلی، خطایی می‌باشد که دارندگان شغل‌های حرفه‌ای کاری که حرفه آنان می‌باشد دچار می‌گردند. از جمله مجریان و یا ناظرین طرح که در هنگام انجام وظیفه در طرح‌های جنگلداری ممکن است بر اثر سهل‌انگاری و یا به طور عمد باعث ایراد خسارت به طرح شوند. در خصوص تقصیر این افراد که از فنون و مهارت‌های ویژه‌ای برخوردارند

خود بهره‌مند می‌شود باید زینانی را که از این طریق متوجه دیگری می‌گردد تلافی نماید. به بیان دیگر ضرر را به فردی نسبت می‌دهند که علت اتفاق افتادن آن شود. در اصل، کافی است که ضرر دیده ثابت کند ضرری به او وارد شده است و این ضرر نشأت گرفته از فعل عامل زیان است یعنی رابطه علیت را اثبات کند و در این صورت مسئولیت عامل زیان احراز خواهد گردید (عرب‌یوسف‌آبادی، ۱۳۹۱). با توجه به عمومیت جنگل‌ها این نظریه می‌تواند راهکار مناسبی برای حفاظت از منابع طبیعی باشد چرا که در صورت وجود چنین نظریه‌ای عوامل و اشخاص داخل در طرح تمامی تلاش خود را برای بهتر اجرا شدن طرح مذکور و جلوگیری از آسیب به طرح به کار می‌بندند. همچنین بنا بر این نظر، از آنجایی که نیت مسئولیت مدنی بیشتر تلافی ضرر و زیان می‌باشد، تقصیر در همه موارد در بخش رکن‌های مسئولیت مدنی قرار ندارد و همین که فرد ضرری به وجود آورد باید آن را تلافی کند و اگر میان عمل فاعل و زیان وارده ارتباط علیت وجود داشته باشد برای حکم به تلافی ضرر و زیان کافی است، خواه عمل فاعل متضمن اشتباه باشد یا نباشد به بیان تابعان عقیده خطر پذیرش تقصیر به عنوان پایه و اساس مسئولیت مدنی، وافی به هدف نیست، چون کارهای این عقیده باعث می‌شود که خیلی از ضررهایی که برگرفته تمدن نوین و زندگی ماشینی است و منشاء آن‌ها ناشناخته می‌باشد بدون تلافی است (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱).

بند سوم : نظریه انتساب حقوقی در طرح‌های جنگلداری

هدف از قابلیت انتساب (قابلیت انتساب ضرر به عامل آن) است؛ بدین معنی که هر وقت ضرری

ایجاد شود، مسئولیت تلافی زیان وظیفه فردی می‌باشد که ضرر مستند به کار (فعل یا ترک فعل) او باشد این قابلیت انتساب براساس ارتباط سببیت بین فاعل زیان و عمل وی می‌باشد. در خصوص طرح‌های جنگلداری این نظریه از این باب قابل استناد است که چنانچه در اثر خلاف یکی از اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری خسارتی به طرح وارد آید به عامل زیان و رابطه عملی که انجام داده و خود شخص خاطی توجه می‌شود. به عنوان مثال چنانچه ناظر طرح جنگلداری در انجام وظیفه او که نظارت بر طرح می‌باشد کوتاهی ورزد و از این اقدام وی مجری طرح سوء استفاده نموده و باعث ورود ضرر به طرح گردد در اینجا به ناظر طرح و اقدام او که ترک فعل مبنی بر عدم نظارت کافی بر اجرای صحیح طرح می‌شود باید توجه گردد. حال ممکن است این سوال طرح شود که خسارت مربوطه به وسیله مجری طرح به وجود آمده و در این صورت آیا مجری طرح فاقد مسئولیت می‌باشد؟ با توجه به این نظریه که عمل ارادی هر شخصی عواقب مربوط به خود را در پی دارد و با توجه به شخصی بودن مسئولیت مدنی نمی‌توان ناظر طرح را مسئول اعمال مجری دانست و هرکدام از این اشخاص به نسبت عمل خود دارای مسئولیت می‌باشد و عمل ناظر را تنها در خصوص نظارت می‌توان دارای مسئولیت دانست که با وجود سهل‌انگاری و خطا باعث ایراد خسارت شده و عمل مجری را در حیطه وظایف خودش باید مدنظر قرار داد. لذا فعل هرکدام منتسب به فاعل خاص خودش می‌باشد. از این حیث نظریه انتساب حقوقی با سایر نظریاتی که بیان شد متفاوت است که در سایر نظریات پیش گفته از جمله نظریه تقصیر و خطر ارکان مسئولیت مدنی (فعل زیان-

بار) مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که در نظریه قابلیت انتساب به عنوان مبنای مسئولیت مدنی قائل به این عقیده هستیم که هرگاه خسارتی به بار آید مسئول جبران خسارت کسی است که خسارت مستند به عمل او می‌باشد و رابطه بین فاعل زیان و عمل وی مدنظر می‌باشد نه تقصیر فاعل زیان.

بند چهارم : نظریه تضمین حق در طرح‌های جنگلداری

در این نظریه جان و مال افراد در جامعه باید از هر گونه تعرض مصون بماند و حق او باید تضمین گردد لازمه تضمین حق این است که هر کس به حق دیگری لطمه وارد آورد ضامن جبران آن می‌باشد. در تزامم حقوق اشخاص با یکدیگر اگر تضمین اجرای حق با ورود ضرر به دیگری هماهنگ باشد اجرای این حق باعث مسئولیت نیست اما اگر میان برپائی حق و وارد شدن زیان به دیگری هماهنگی وجود نداشته باشد، اجرای آن موجب مسئولیت می‌شود (عباسلو، ۱۳۹۴). به نظر بوریس استارک (۱۹۹۱) که ارائه‌دهنده این نظریه می‌باشد، نه تنها رهایی که حق طبیعی اشخاص در مکتب حقوق طبیعی و نظریه اصالت شخص است را مورد توجه قرار می‌دهد بلکه حق امن بودن و سالم زندگی کردن و بهره‌برداری از دارائی را برای شخص در نظر می‌گیرد و می‌گوید هر فردی در کشور حق دارد با آرامش و امنیت زندگی کند و همه افراد حق حیات و بهره بردن از دارایی خود را دارند و می‌توانند از مزایا و منافع آن استفاده نمایند. همچنین در مقابل به زندگی و وضعیت جسمی خود و نزدیکان خود حق دارند این حق را برای سایرین در نظر بگیرند و آن‌ها وظیفه دارند تا به حقوق دیگران احترام گذاشته و امنیت بقیه را در مقابل خطر قرار ندهند و برای

قانون تضمین برپایی این حق را مسئولیت مدنی واردکننده ضرر در نظر بگیرند (عامر، ۱۳۷۶). این مهم را می‌توان در اصل ۴۵ قانون اساسی مشاهده نمود که پس از این که جنگل‌ها را جزو انفال و ثروت‌های عمومی می‌داند بیان می‌دارد که باید در اختیار دولت قرار گیرد تا طبق مصالح عامه اداره شود. در اینجا به نظر مقصود از حفاظت بر اساس مصالح عامه تضمین حقوق راجع به جنگل‌ها و منابع طبیعی می‌باشد چرا که پس از تصویب این اصل قوانین بی‌شماری به منظور حفاظت از این ثروت‌های خدادادی به تصویب رسیده‌اند و وجود طرح جنگلداری گواهی بر این قضیه است تا از بهره‌برداری بی‌رویه درختان جنگلی و یا تخریب بی‌رویه این منابع جلوگیری به عمل آید. در این نظریه میان ضرر و زیان بدنی و دارایی از یک سو و ضرر و زیان معنوی و اقتصادی از سوی دیگر تفاوت وجود دارد، دسته اول جدای از تقصیر عامل ضرر در هر صورت باید تلافی شود و مسئولیت ناشی از آن نوعی می‌باشد. حال آن که درباره ضرر و زیان معنوی و اقتصادی، اگر همراه با ضررهای بدنی و پولی نباشد مسئولیت در حالتی ایجاد می‌شود که مرتکب کار زیان‌بار تقصیر نموده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۸). کما این که در طرح‌های جنگلداری هر دو نوع ضرر (مادی و معنوی) قابل تصور است.

بند پنجم: رویکرد حقوقی و رویه قضایی ایران در خصوص مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری

رویکرد حقوق ایران در خصوص مسئولیت اشخاصی که در طرح‌های جنگلداری دخیل هستند را علاوه بر قانون مسئولیت مدنی و قانون مدنی که جزو قوانین عام هستند باید در قوانین خاص که راجع به جنگل‌ها به تصویب رسیده

است نیز جست. از جمله این قوانین قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ می‌باشد که این قانون تصویب طرح‌های جنگلداری را برای سازمان جنگل‌ها و مراتع مجاز می‌داند. علی‌ایحال در موادی از این قانون بحث مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری مدنظر قرار گرفته است از جمله مسئولیت‌هایی که در این قانون گنجانده شده است ماده ۵ این قانون می‌باشد که برابر این ماده «آن قسمت از درختان مورد پروانه که قابل تبدیل به چوب‌های صنعتی می‌باشد باید به صورت گرده‌بینه از برداشتگاه خارج و به ایستگاه جمع‌آوری چوب که سازمان جنگلبانی تعیین می‌نماید حمل شود». تبدیل گرده‌بینه به چوب در برداشتگاه ممنوع است و در صورت تخلف موارد حاصل شده به سود سازمان جنگلبانی ضبط می‌گردد. همچنین ماده ۷ این قانون بیان می‌دارد «در پروانه بهره‌برداری مشخصات و نحوه و مدت بهره‌برداری ذکر می‌شود و تخلف از شرایط مندرج در پروانه به منزله بهره‌برداری بدون پروانه بوده و مرتکب به مجازات مقرر خواهد رسید». قوانین مذکور در خصوص طرح‌های جنگلداری اشاره به ممنوعیت برخی اقدامات در طرح‌ها دارد که در صورت انجام فعل خلاف مرتکب دارای تقصیر می‌باشد. از این مواد می‌توان دریافت که قانونگذار ایران مسئولیت نوعی یا محض را در قوانین راجع به حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع پذیرفته است. چرا که در ماده ۵ که بیان می‌دارد تبدیل گرده‌بینه به چوب در برداشتگاه ممنوع و در صورت تخلف موارد ضبط می‌گردد اشاره ای به این مطلب که محرز گردد این گرده‌بینه‌ها توسط چه شخصی یا اشخاصی تبدیل شده است و یا رابطه بین فاعل زیان و فعل زیان‌بار در این ماده حائز اهمیت

نمی‌باشد و به صرف این که مأمورین مشاهده نمایند محصولات جنگلی در بازداشتگاه تبدیل به گرده‌بینه شده‌اند اختیار ضبط آن‌ها را خواهند داشت مگر این که قوه قاهره به وسیله فاعل زیان اثبات گردد. از طرفی ماده ۷ هم که اشاره به عدم رعایت مقررات راجع به پروانه‌نویسی دارد که متخلف در صورت عدم توجه به مقررات راجع به پروانه‌نویسی اعم از ذکر مشخصات و زمان و نحوه بهره‌برداری فاعل مرتکب عمل خلاف شده و مستوجب کیفر مقرر در قانون می‌باشد. لذا در این ماده هم صرف این که در پروانه بهره‌برداری مشخصات مذکور قید نشود را خلاف می‌داند و دارنده را فاقد پروانه بهره‌برداری توصیف می‌نماید و سخنی از این که فاعل مرتکب تقصیر عمد و یا غیرعمد شده باشد، ندارد. لذا به ظاهر می‌توان گفت نظریه مسئولیت محض با توجه به این که این نوع مسئولیت برای اشخاص ذیمدخل در طرح‌های جنگلداری نوعی بازدارندگی از ارتکاب افعال خلافی که در آینده ممکن است مرتکب گردند محسوب می‌گردد. هر چند از اهداف مسئولیت به طور کلی بعد بازدارندگی آن است اما در خصوص طرح‌های جنگلداری که راجع به اموال عمومی است و راجع به مصالح اجتماعی می‌باشد تصور مسئولیت محض با توجه به قوانینی مهم در این زمینه وجود دارد توجیه منطقی‌تری دارد. از طرفی اثبات تقصیر آلوده‌کننده یا واردکننده خسارت، امری بسیار دشوار و گاه غیرممکن است و صرف وقوع فعل عامل زیان برای احراز مسئولیت و جبران خسارت کافی است که اهمیت منابع طبیعی را از اصول قانون اساسی می‌توان برداشت نمود چرا که مطابق اصول قانون اساسی مسئولیت راجع به منابع طبیعی نوعی مسئولیت

پیشگیرانه و ناظر به آینده است (حسین‌زاده، ۱۳۹۹).

با توجه به نفس منابع طبیعی که وظیفه همه حفاظت و حفظ حرمت این منابع می‌باشد به نظر قرار دادن مبنای تقصیر در این منابع نوعی نادیده انگاشتن حقوق مربوط به منابع طبیعی را در پی دارد. همانگونه که سابقاً بیان شد، طرح‌های جنگلداری و یا منابع طبیعی در معنی عام خود بوده و باید فعل زیان‌بار عامل زیان را به اثبات برساند تا بتواند نسبت به جبران خسارت اقدام نماید. به نظر این رویه حاکم در خصوص دعاوی راجع به منابع طبیعی ضرورت‌هایی را ایجاب می‌نماید که منافع آن شامل حال اشخاصی است که به راحتی قصد اضرار به منابع طبیعی را دارند در حالی که برابر ماده ۳۲۸ ق.م. که یکی از مبانی مسئولیت مدنی در بحث اتلاف به شمار می‌رود هم می‌تواند مبنای مسئولیت اشخاصی قرار گیرد که به منابع طبیعی تجاوز می‌نمایند چرا که قواعد اتلاف از نظر موضوع در برابر قانون مسئولیت مدنی خاص است زیرا ماده ۳۲۸ ق.م. ناظر به تلف مستقیم مال است ولی ماده ۱ ق.م.م. به تلف غیرمستقیم و با واسطه مال و همچنین لطمه به جان و مال و سلامت و حیثیت و همه حقوق مالی و معنوی دیگر نظارت دارد. از طرفی از نظر مصالح اجتماعی که اجرای عدالت در زمان ما اقتضا دارد که مسئولیت مدنی تنها بر مبنای تقصیر قرار نگیرد و گاه نیز اشخاصی که مقصر نیستند مسئول به شمار آیند. حفظ قواعد مربوط به مسئولیت بی‌تقصیر نظام حقوقی را در این مسیر یاری می‌کند و اعتقاد به نسخ قواعد اتلاف که ناچار همراه با نسخ سایر قواعد مسئولیت نیز هست، آن را به عقب می‌کشد (کاتوزیان، ۱۳۹۸). علی‌ایحال می‌توان در خصوص اشخاصی که به

طرح‌های جنگلداری و منابع طبیعی زیان وارد می‌آورند بر مبنای قاعده اتلاف موضوع ماده ۳۲۸ ق.م. حکم نمود. از طرفی با توجه به قانون حفاظت و بهره‌برداری همانگونه که بیان شد این قانون مسئولیت محض را برای کسانی که به طرح‌های جنگلداری ضرر می‌رسانند در نظر گرفته است. لذا بهتر است رویه قضائی به سمتی برود که نیاز به اثبات تقصیر توسط زیان‌دیده در منابع طبیعی را محدود نماید و برابر سایر قواعد موجود و مبانی راجع به مسئولیت مدنی حکم نماید. با توجه به رویه معمول محاکم در ارتباط با منابع طبیعی به نظر می‌رسد تنها در خصوص جبران خسارات وارده به منابع طبیعی محاکم مبنای مسئولیت را ماده ۱ ق.م.م. پذیرفته‌اند چرا که در موارد بی‌شماری صرف ایراد خسارت به منابع طبیعی موجبات مسئولیت را برای شخص زیان‌زننده به وجود می‌آورد و صرف ورود خسارت و رابطه سببیت بین عمل و خسارت وارده را موجب مسئولیت مدنی می‌دانند. لذا در خصوص رویه حاکم این نتیجه حاصل می‌شود که علی‌رغم این که در بحث جبران خسارت که از آثار مسئولیت مدنی می‌باشد تکیه بر تقصیر فاعل زیان می‌باشد اما با توجه به عمومیت منابع طبیعی و نقشی که برای بشریت دارد در موارد متعددی صرف ورود خسارت و ایجاد رابطه سببیت مابین عمل مرتکب و خسارت وارده را که مبنای آن مسئولیت محض می‌باشد و نیاز به اثبات تقصیر فاعل زیان نیست.

مبانی مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری در اسناد بین‌الملل
مسئولیت بین‌المللی وظیفه‌ای همگانی است که به علت حقوق بین‌الملل به کشورها تحمیل شده تا هر کشور ضرر و زبانی را که به علت نقض قاعده‌های حقوق بین‌الملل، نشأت گرفته از عمل یا

نسل‌های آینده را دارد و در اصول ششم و هفتم هم اشاره به جلوگیری از ورود هرگونه آلودگی بیش از ظرفیت مجاز به محیط‌زیست و دریاها را دارد که به نوعی اشاره به اصل جلوگیری (پیشگیری) در حقوق بین‌الملل دارد. از طرفی اصل ۲۲ اعلامیه مذکور اشاره به مسئولیت و جبران خسارت دولت‌ها در قبال قربانیان آلودگی و سایر آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت داخل محدوده قانونی و مناطق تحت کنترل‌شان را دارد. مسئله مسئولیت دولت‌ها در طرح‌های جنگلداری در بیانیه استکهلم را به طور واضح‌تر اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم بیان می‌دارد بدین نحو که اعمال حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان را تابع اصل مسئولیت اکولوژیک قرار می‌دهد که نوعی حاکمیت مشروط در این حوزه تلقی می‌گردد و دولت‌ها باید مطابق آن قوانین ملی خود را در خصوص مسئولیت ناشی از صدمات حاصل از آلودگی و دیگر صدمات وارده به منابع طبیعی و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارت مورد توجه قرار دهند (رمضانی، ۱۳۹۲). لذا در باب تقصیر بین‌المللی می‌توان بیان داشت، چنانچه قاعده‌ای برابر حقوق بین‌المللی به وجود آید که فعل یا ترک فعل در آن لحاظ شده باشد، رابطه حقوقی به صورت اتوماتیک ایجاد می‌گردد و مطابق این رابطه، این عمل به وی منتسب بوده و باید با پرداخت غرامت آن را جبران نماید. این رابطه‌ای است که بین دولت زیان‌زننده و دولت زیان‌دیده ایجاد می‌گردد (بدجویی^۲، ۱۹۹۱). لذا بر این اساس این نظریه هرگونه تخلف و قصور نسبت به یک قاعده حقوقی بین‌المللی عرفی یا معاهده‌ای یا به صرف اثبات وجود رابطه سببیت

پیشگیری در انجام دادن وظائف به کشور دیگر وارد کرده، از پس تلافی آن بر آید. به گفته دیگر، تعهد به تلافی ضرر و زیان، محتوای اصلی مسئولیت بین‌المللی است و در اشکال مختلف و راه‌های گوناگون اجرا می‌گردد که هر یک از آن کارکرد خاص خود را دارد. جبران خسارت یک واژه عمومی و کلی است که راه‌های مختلف و تحت اختیار، برای آزاد کردن خود از مسئولیت بین‌المللی یا ادای تکالیف را بیان می‌کند (حبیبی، ۱۳۹۲). نظریه تقصیر و خطر با سابقه‌ترین نظرات در مورد مبنای مسئولیت بین‌المللی می‌باشد. برابر نظریه تقصیر یک دولت زمانی در برابر کشوری دیگر عهده‌دار واقع می‌شود که در شکل‌گیری زیان دچار تقصیر شده باشد.

بند اول: نظریه خطا و تقصیر در طرح‌های جنگلداری

مطابق اصل اول بیانیه استکهلم انسان دارای حقوق بنیادی نسبت به آزادی برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باوقار و سعادت‌مندانه می‌دهد، دارد و مسئولیت حفظ بهبودی محیط‌زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را به عهده دارد. لذا این بیانیه ضمن اشاره به برابری نسل‌ها برای اولین بار در یک سند زیست‌محیطی دستیابی به این هدف را در گرو پذیرش مسئولیت به وسیله همه شهروندان و اجتماعات بشری فرض نموده است. همچنین اهداف زیست‌محیطی باید با همراهی و هماهنگی اهداف بنیادی صلح و توسعه در سطح جهانی و گردآوری منابع برای حمایت از کشورهای در حال توسعه و همچنین مسئولیت‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد و تأکید بر مسئولیت افراد در قبال حفظ و بهبودی محیط‌زیست و منابع طبیعی برای نسل حاضر و

میان اعمال زیان‌بار و خسارات وارده شده، مسوولیت محرز می‌گردد خواه این عمل متضمن عنصر خطا باشد یا نباشد. در باب مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری برابر اصول مذکور در اعلامیه استکهلم این نظریه مطرح است که دولت‌ها در حفاظت از محیط-زیست و منابع طبیعی خود باید مقررات لازم را با در نظر گرفتن حفظ محیط‌زیست جهانی وضع نمایند و در صورت عدم رعایت مقررات حفاظتی مسئول جبران خسارات وارده به عرصه بین‌الملل و کشورهای همسایه خواهند بود. این مهم در اصل ۲ کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد (منشور زمین) بدین نحو آمده است که تمامی دولت‌ها اختیار تام دارند که جهت سیاست‌های زیست محیطی و توسعه خود از منابع طبیعی خود بهره‌مند شوند مشروط به آن که متعهد شوند اقداماتی که در محدوده اختیارات قانونی و تحت کنترل آن‌ها صورت می‌گیرد به محیط‌زیست سایر کشورها آسیبی نرساند و در صورت ورود خسارت مسئول خواهند بود.

بند دوم: نظریه خطر و اعمال منع نشده در طرح‌های جنگلداری

بر اساس نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده در طرح‌های جنگلداری در اسناد بین‌الملل، کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۷ مسئولیت مدنی ناشی از پیامدهای فعالیت‌هایی که مطابق حقوق بین‌الملل منع نشده را به دو دسته اقدامات بازدارنده و اقدامات جبرانی تقسیم نموده است. اقدامات بازدارنده تحت عنوان پیش‌نویس کنوانسیون (جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک) در سال ۲۰۰۱ به وسیله کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شد که عمده موضوعات تحت پوشش آن

راجع به محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌باشد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۳). اقدامات جبرانی را پس از ورود خسارت با توجه به معاهدات بین‌الملل می‌توان در نظر گرفت همچنین بند ۳ و ۴ ماده ۲ پروتکل ایمنی زیستی کارتاگانا به استناد منطقی و معقولانه از سرزمین که بیان‌کننده اصل حاکمیت با بکارگیری اعمال منع نشده می‌باشد اشاره دارد. برابر این بندها (مواد این پروتکل در حمایت از دولت‌ها بر محدوده دریایی خودشان است که نباید بگونه‌ای تفسیر شود که محدودکننده دائمی حق یکی از اعضا برای استفاده پایدار از تنوع زیستی باشد و این اقدامات باید با اهداف و دستورالعمل‌های پروتکل و با سایر تعهداتی که دیگر قوانین بین‌المللی به همراه دارند باید سازگار باشد) و اصل ۶ و ۷ بیانیه استکهلم به لزوم توقف ورود آلودگی بالاتر از حد مجاز به محیط‌زیست پرداخته که اصل ۱۷ اعلامیه ریو و کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نیز به آن اشاره دارد. نظر به رویکرد اسناد بین‌الملل راجع به اعمال منع نشده می‌توان گفت، به دنبال پیشرفت‌هایی که بشر به دست آورده و به دنبال تغییراتی که دارد صورت می‌گیرد، هم سازمان‌ها یا کشورها مبادرت به یکسری اعمالی در خصوص منابع طبیعی از جمله در بیابان‌ها یا در فضا می‌نمایند که نمونه بارز آن آزمایش‌های اتمی است که در نتیجه این آزمایش‌ها ممکن است علی‌غم رعایت قواعد مربوطه تبعاتی برای عده‌ای داشته باشد. در این جا این نظریه مسئولیت دولت اقدام-کننده را مطرح می‌کند ولو این که هیچ قاعده‌ای هم نقض نشده باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در یکی از نظریات خود نیز عنوان کرده که ترمیم و جبران خسارت منوط به نقض یک عمل خلاف حقوق بین‌الملل نیست اما طرحی که کمیسیون

که اسناد بین‌الملل تأکید بر توسعه پایدار این منابع دارد بهتر است گفته شود این نظریه با روح زبان‌های وارده به طرح‌های جنگلداری توسط اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های مزبور انطباق بیشتری دارد و توجه اسناد بین‌الملل در بحث محیط‌زیست بیشتر بر این نظریه می‌باشد.

مقایسه مبنای مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری در حقوق داخلی و اسناد بین‌الملل

شناخت مبنای مسئولیت مدنی در سایر موضوعات راجع به مسئولیت مدنی از جمله ارکان و آثار آن نقش به‌سزایی دارد این که بر چه اساس شخصی را که خسارتی در طرح‌های جنگلداری به بار آورده است را مسئول بدانیم و انتساب علل زیان‌بار به فاعل زیان همچنین این که زیان‌دیده طرح جنگلداری برای جبران خسارات وارده به منابع طبیعی با توجه به جایگاه ویژه منابع طبیعی برای انسان چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد. مسئله مهمی است که در بحث مبنای راجع به مسئولیت مدنی می‌توان به آن پرداخت. همانگونه که بیان شد در سطح داخلی با این دیدگاه که حقوق مدنی ایران برگرفته از متون اسلامی می‌باشد با نظرات متعددی روبه‌رو هستیم وجود نظرات متعدد راجع به مسئولیت مدنی می‌تواند راه را برای رویه معمول محاکم هم هموار سازد و مشخصه آن است که رویه معمول از چه مبنایی پیرو می‌کند و چه معیارهایی برای احقاق حقوق کامل منابع طبیعی می‌توان در نظر گرفت تا بر مبنای آن‌ها حقوق از دست رفته منابع طبیعی با جبران خسارت که آثار عمل زیان‌بار می‌باشد اعاده گردد. در اسناد بین‌الملل بیشتر تکیه برداشتن مسئولیت محض برای اشخاصی است که باعث ایراد خسارت به طرح‌های جنگلداری در سطح بین‌المللی می‌-

حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ارائه داده واژه خطر یا خطا را کنار گذاشته و از رفتار متخلفانه صحبت کرده است یعنی همین که فعل نامشروعی صورت گرفت و بر خلاف قواعد بین‌الملل باشد می‌توان مسئولیت بین‌المللی دولت را مطرح کند، عملاً گرایش طرح کمیسیون بیشتر به سمت خطر است (قزوینی، ۱۳۸۹).

مطابق نظریه خطر در بعد بین‌الملل صرف ورود خسارت از یک کشور به کشور دیگر برای ایجاد مسئولیت کفایت می‌کند و نیازی به اثبات نقض تعهد بین‌المللی نیست حتی در مواردی که دولت‌ها نه به خاطر نقض یک تعهد بین‌المللی بلکه از این لحاظ که انجام اعمالی که از دید حقوق کاملاً مجاز است ولی با وجود آن خساراتی وارد می‌گردد مسئول شناخته می‌شوند و باید خسارات وارده را جبران نمایند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵). در این خصوص پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل با عنوان «پیش‌نویس جلوگیری از انتقال خسارت به واسطه فعالیت‌های خطرناک در سال ۲۰۰۱» در ادامه اهداف اعلامیه ریو، اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خویش جهت ادامه فعالیت‌ها در محدوده سرزمین‌شان را تا جایی مجاز می‌داند که آسیبی در اثر فعالیت آن‌ها به سایر کشورها وارد نشود (بوئل و بیرنه، ۱۹۹۵). با توجه به این نظریه چنانچه در کشورهای دارای طرح جنگلداری خسارتی به طرح مزبور وارد آید نیاز به اثبات تقصیر فاعل زیان نیست و به صرف این که خسارت به طرح وارد آید زیان‌دیده می‌تواند تقاضای جبران زیان را داشته باشد و نظر به ماهیت جنگل‌ها و با توجه به این

گردند با توجه به موقعیت منابع طبیعی این مینا، مبنایی پسندیده است چرا که به نفع طرح‌های جنگلداری است که چنانچه ضرری وارد آید نیاز به اثبات تقصیر مقصر زیان احساس نگردد و بهتر است رویه قضائی در سطح داخلی هم به همین سمت سوق داده شود چرا که متأسفانه برابر اسناد موجود در رویه حقوقی آنچه مشاهده می‌گردد اعمال مسئولیت برای فاعل زیان بر مبنای تقصیر زیان‌زننده می‌باشد و این امر هم موجبات اطاله دادرسی در محاکم را فراهم داشته و هم در مواردی که این احتمال وجود داشته باشد که تقصیر زیان‌زننده ثابت نگردد با ضررهایی در طرح‌های جنگلداری روبه‌رو خواهیم بود که جبران نشده باقی می‌مانند و این امر با استنتاجات شرع مقدس که بیان می‌دارد هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند، منافات دارد. چرا که برابر قواعد فقهی اتلاف و لاضرر که مبنای مسئولیت می‌توانند قرار گیرند صحبت از جبران کامل ضررهای وارده می‌باشد حال این که این امر در رویه معمول محقق نشده و با ضررهایی روبه‌رو هستیم که تقصیر عامل زیان ثابت نمی‌گردد و پیرو آن ضرر جبران نشده باقی می‌ماند. در اسناد بین‌الملل صحبت از اعمال منع نشده و قاعده پیشگیری از خسارت به میان می‌آید که قاعده پیشگیری را در حقوق داخلی قوانین خاص به آن اشاره دارند اما در خصوص اعمال منع نشده که ممکن است هیچ قاعده‌ای هم نقض نشده باشد و خسارتی به بار آید فرد خطاکار مسئول اعمال خویش خواهد بود، بهتر است این قاعده در حقوق داخلی هم مورد توجه قرار گیرد چرا که ممکن است عملی توسط اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی صورت پذیرد که نقض قواعد داخلی را در پی نداشته باشد اما موجب ایراد خسارت گردد. البته شاید ایراد شود

که این مهم را می‌توان از قاعده اتلاف و لاضرر استخراج نمود اما باید گفت در بحث خسارات وارده به محیط‌زیست که گستره آن به وسعت هوا و فضا و عمق زمین و... می‌باشد و به راحتی نمی‌توان خسارات وارده را برشمرد جای تأمل دارد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی اشخاص ذی‌مدخل در طرح‌های جنگلداری در حقوق داخلی و اسناد بین‌الملل التزام قانونی شخص به جبران خسارتی که ناشی از رفتار او به جنگل‌ها بوده را شامل می‌گردد. این خسارت می‌تواند مادی یا معنوی باشد، پس مسئولیت مدنی در این قبیل موضوعات، تعهد و التزام به انجام امر یا جبران خسارت قابل پیش‌بینی و غیرقابل مقابله‌ای است که بدون قرارداد و عقد بین اشخاص و به حکم قهری قانون، حاصل می‌شود که این مسئولیت در رابطه با طرح‌های جنگلداری، نوعی مسئولیت قانونی است. از این‌رو مبنای فقهی و حقوقی بر این نوع مسئولیت در حقوق ایران حاکم است. از آنجا که حرمت مال غیرهمواره در روایات متواتر مورد توجه قرار گرفته است، از این‌رو ضرر رساندن به اموال دولت ناشی از تخریب جنگل‌ها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، امری مذموم شمرده شده است و بر اساس مبنای موجود در فقه، ضرر به دیگران در قالب قواعدی همچون لاضرر، اتلاف، حرمت مال غیر و... آمده است که بحث عدم اضرار به دیگران و جبران خسارت را مطرح می‌نماید. از سوی دیگر، نظریات چهارگانه حقوقی تقصیر، خطر، تضمین حق و انتساب حقوقی مطرح است که اضرار به دیگران را در قالب این نوع نظریات مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در اسناد بین‌المللی نظریه حاکم، نظریه خطر است که در این نوع مسئولیت‌ها مورد توجه قرار

خصوص اصول پایه‌ای با نظر کشورهایی که دارای طرح‌های جنگلداری بوده‌اند و آزمون و خطاها را از سر گذرانده‌اند به تصویب برسد.

۲. همانگونه که از اسناد بین‌الملل پیداست وجود طرح‌های جنگلداری به دولت‌ها سپرده شده است. به نظر این امر با توجه به اهمیت جهانی جنگل‌ها و منابع طبیعی و نیاز بشر به این منابع در سطح بین‌الملل کارآمد نباشد و بهتر است به وسیله کلیه دولت‌ها و یا با وجود گروه‌ها یا تشکل‌های خاص بین‌المللی مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد و این گروه‌ها عهده‌دار انجام تشریفات خاص راجع به طرح‌ها و نظارت بر سیر دقیق اجرای آن‌ها باشند.

۳. کشورها با به اشتراک گذاشتن نمونه‌های طرح خود در اختیار سایر کشورها و کنوانسیون‌های جهانی سایر کشورها بتوانند از تجربیات و روش‌های حفاظت آن‌ها نسبت به نحوه مدیریت جنگل‌ها اطلاع کسب نمایند که این مهم در اسناد بین‌الملل گنجانده شده اما این امر بهتر است با علم روز همراه باشد. چرا که تبادل اطلاعات امروزه به شیوه‌ای آسان‌تر از گذشته محقق می‌گردد و دولت‌ها راحت‌تر امکان دسترسی به آن‌ها را خواهند داشت لذا بهتر است در این باره سایت‌ها و فضاهایی برای تبادل نظرات و اطلاعات دولت‌های دارای طرح وجود داشته باشد.

گرفته است به طوری که به صرف ورود ضرر، شخص آسیب زنده به جنگل مسئول قلمداد می‌گردد. پس از تصویب قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، حقوقدانان با توجه به حکم کلی ماده یکم آن، که اساس مسئولیت را بر تقصیر استوار کرده است، درباره جمع حکم این ماده و ماده ۳۲۸ قانون مدنی، (اتلاف)، که نسبت به عنصر عمد و تقصیر و عدم آن‌ها اطلاق دارد و اتلاف‌کننده غیرعمدی مال دیگری را، به طور مطلق و بدون ارتکاب تقصیر، نیز مسئول قرار داده است، اظهارنظرهای مختلفی را ارائه کرده‌اند. در خصوص جبران این نوع خسارت به طور ضمنی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱ به طور خاص جرم‌انگاری نموده است. البته جایگاه این نوع خسارت را می‌توان در اسناد بین‌المللی همچون بیانیه‌های استکهلم ۱۹۷۲، ریو ۱۹۹۲، ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و ریو ۱۹۹۲ مورد مطالعه قرار داد.

در همین راستا پیشنهادات حاصل از تحقیق به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. اسناد بین‌الملل تکیه بر حفظ منابع طبیعی توسط دولت‌ها و کلیه بشر دارد و تنها در اصولی از این اسناد جهت رسیدن به اهداف سه گانه، حفاظت و نگهداری و توسعه جنگل‌ها به وجود طرح‌های جنگلداری و آن هم به طور کلی اشاره به وجود برنامه و طرح‌هایی برای رسیدن به این اهداف اشاره شده است لذا بهتر است در این خصوص همانگونه که در سطح ملی کشورهای دارای طرح جنگلداری دارای شرایط و قواعد خاص و مختص اینگونه طرح‌ها می‌باشند در سطح بین‌الملل نیز این مهم راجع به چگونگی و شرایط وجود طرح‌های مذکور به عمل آید و در این

منابع

- ۱- السيد مير عبد الفتاح، الحسينى مراغى، ۱۳۷۶. العناوين الفقهية. مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين: قم.
 - ۲- الموسوى الخوئى، ابوالقاسم، ۱۳۸۰. مبانى تكلمه المنهاج. نشر بغداد: بابل.
 - ۳- انتظارى، عليرضا، و محقق داماد، سيدمصطفى، ۱۳۹۱. نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنى زیست محیطى. مجله مطالعات اسلامى فقه و اصول، ۴۴(۲): ۴۱-۶۱.
 - ۴- تقى‌زاده انصارى، سيدمصطفى، ۱۳۹۳. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. انتشارات خرسندى: تهران.
 - ۵- حبیبى، ضامن على، ۱۳۹۲. مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللى دكترین مهدویت با رویکرد سیاسى و حقوقى: تهران.
 - ۶- حسن‌زاده، حسن، ادیبى‌مهر، محمد، داداش‌نژاد دلشاد، داوود، و باقى‌زاده، محمدجواد، ۱۳۹۸. نقش قاعده فقهى لاضرر در مدیریت بحران‌های محیط‌زیست. فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، ۷(۳): ۱۲۷-۱۴۶.
 - ۷- حسین‌زاده، خدیجه، ۱۳۹۹. مسئولیت مدنى و خسارت معنوى ناشى از تخریب منابع طبیعى در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه آزاد واحد بهشهر.
 - ۸- حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۸۶. مسئولیت مدنى در فقه امامیه. انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى: قم.
 - ۹- خانلری، داریوش، ۱۳۹۰. اصول تهیه و ارزیابى طرح‌های جنگلداری. مؤسسه آموزش عالی علمى-کاربرى وزارت جهاد کشاورزى: تهران.
 - ۱۰- رمضانى قوام‌آبادى، محمدحسین، ۱۳۹۲. بررسی تطبیقى اجراء اصل احتیاط زیست‌محیطى در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللى. فصلنامه پژوهش حقوق عمومى، ۱۵(۴۰): ۱۴۱-۱۶۴.
 - ۱۱- ره‌پیک، حسن، ۱۳۸۸. حقوق مسئولیت مدنى و جبران‌ها. انتشارات خرسندى: تهران.
 - ۱۲- ضیائی بیگدلى، محمدرضا، ۱۳۹۵. حقوق بین‌الملل عمومى. کتابخانه گنج دانش: تهران.
 - ۱۳- علامه‌حلى، حسن بن یوسف، و محقق کرکى، على‌بن‌حسین، ۱۳۷۳. جامع المقاصد فى شرح القواعد. مؤسسه آل‌البیت (عليهم السلام) لإحياء التراث: قم.
 - ۱۴- فاضل لنکرانى، الشیخ محمد، ۱۳۸۳. القواعدالفقهیه. مرکز فقه الائمه الاطهار عليهم السلام: قم.
 - ۱۵- قاسم‌زاده، سيدمرتضى، ۱۳۸۵. مبانى مسئولیت مدنى. نشر میزان: تهران.
 - ۱۶- قزوینى، موسى، ۱۳۸۹. مردم و قانون. پایان‌نامه کارشناسى ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامى.
 - ۱۷- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵. الزامات خارج از قرارداد ضمان قهرى. انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
 - ۱۸- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۸. الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنى. انتشارات گنج دانش: تهران.
 - ۱۹- عامر، حسین، ۱۳۷۶. المسئولیه المدنيه التقصيريه والعقدیه، الطبعه الاولى، مطبعه مصر، شركت مساهه- مصریه.
 - ۲۰- عباسلو، بختيار، ۱۳۹۴. مسئولیت مدنى با نگرش تطبیقى. نشر میزان: تهران.
 - ۲۱- عرب‌یوسف‌آبادى، عبدالرافع، ۱۳۹۱. مسئولیت اشخاص حقوقى در برابر اعمال غیر قراردادى مدیران. دانشگاه حکیم سبزواری.
 - ۲۲- علیشاهى قلعه جوقى، ابوالفضل، و دانشهاد، محمد، ۱۴۰۰. مسئولیت مدنى دولت از منظر قاعده لاضرر. مجله مطالعات فقهى و فلسفى، ۱۲(۴۵): ۱-۱۵.
 - ۲۳- محقق داماد، سيدمصطفى، ۱۴۰۱. قواعد فقه (بخش مدنى). مرکز نشر علوم اسلامى: تهران.
 - ۲۴- موسوى بجنوردى، محمد، ۱۴۰۱. قواعد فقهیه. انتشارات مؤسسه عروج: تهران.
 - ۲۵- یزدانیان، عليرضا، ۱۳۹۵. قواعد عمومى مسئولیت مدنى. نشر میزان: تهران.
- 1- Bedjaoui, M. (Ed.). (1991). International law: Achievements and prospects. Martinu Nijhoff Publisher s, UNESCO, Paris, 1991.
 - 2- Boyle, A., & Birnie, P. (1995). Basic documents on international law and the environment. Clarendon Press.
 - 3- Carbonnier, J. (1994). Droit civil: Les obligations. Presses Universitaires de France-PUF.

Analysis of civil liability of stakeholders in forestry projects in domestic laws and international documents

Zeinab Karimimanesh¹

Abstract

Civil liability in the direction of forestry plans is one of the most important issues which has always been considered in the documents between the international and domestic law . the difference in the civil liability of stakeholders persons in the plan of forestry in domestic law and comparing them with international law is the difference in the principles and conditions of this kind of responsibility so that the basis of this kind of responsibility in the law of iran is more than jurisprudence and law . in the subjects of this kind of responsibility in iran 's law and the documents between the international , we can examine various regulations including legislation of iran in 1962 by ratifying laws of protection and protection of them . and in 1967 , by ratifying the laws of protection and exploitation of forestry and pastures , the government obliged to prepare forestry plans to protect and safeguard it . the international law on the international law is also referred to as the 1972 , rio 1992 , johannesburg 2002 . therefore , the purpose of the present study is to investigate the principles of civil liability of stakeholders persons in the civil law and the international documents . with we concluded that the civil liability of persons is different in the basis of international law and is common in the purpose and the works that protect the forests and compensation.

Keywords: Civil Liability, Forestry Plan, Stakeholder, International Documents.

¹ PhD Student Private, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.